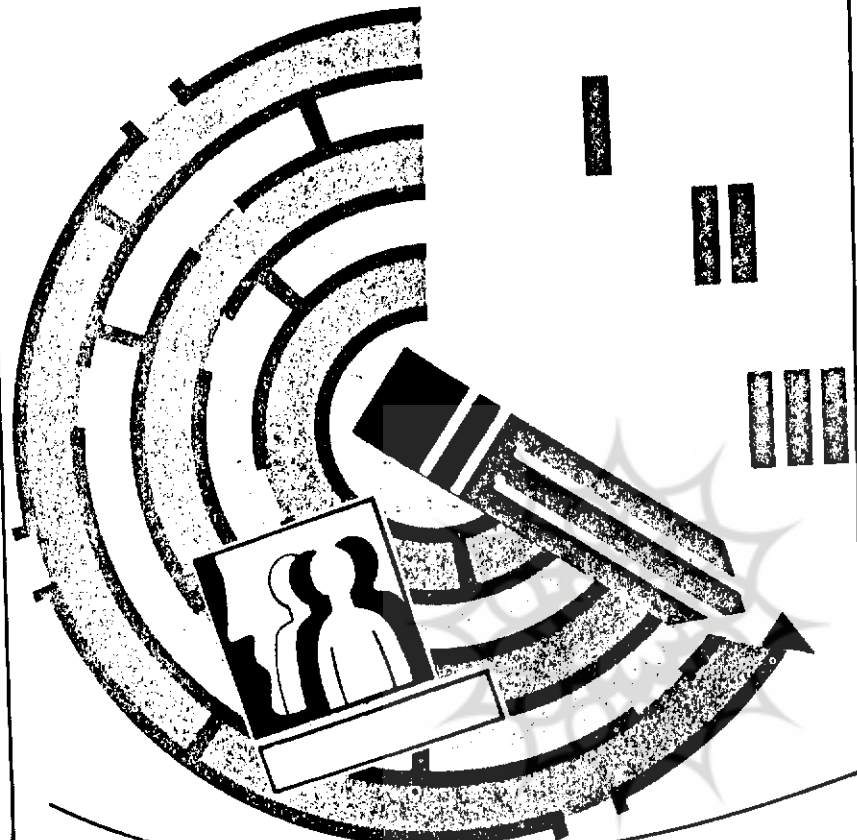


نقش عادت

در تربیت



امروزه در محافل تربیتی در بحث روشها بر دو روش عمده در تعلیم و تربیت تکیه می شود: عده ای از متخصصان تعلیم و تربیت تکیه بر روش عقلانی کرده و آن را تنها روش مناسب و اصولی در تعلیم و تربیت معرفی می کنند، که در غرب (امریکا) «جان دیوئی» مبلغ این روش است، و عده ای دیگر عادت دادن را به عنوان روشی اساسی در جریان تعلیم و تربیت قلمداد می کنند، بدیهی است هریک از این دو روش معایب و محاسنی دارند که در جریان عمل و مرحله اجرا ظاهر می شود. مثلاً روش عقلانی را نمی توان در دوره کودکی به کار برد چون کودک در حد لازم، رشد عقلی نیافته و بر عکس از روش عادت دادن نیز نمی توان به صورت گسترده بعد از سن عقلی استفاده کرد. آنچه که از مقایسه این دو روش حاصل می شود، این است که از هر دوی آنها می توان در امر تربیت به نحو احسن استفاده نمود.

در تعلیم و تربیت اسلامی نیز هر چند بر روش عقلانی تکیه زیادی شده، اما به این معنی نیست که از روش عادت دادن در تربیت نهی شده باشد، بلکه به طوری که در بحث عادت و جنبه های مختلف تربیت خواهد آمد، از آن برای ایجاد صفات و ملکات نیک در ابعاد مختلف استفاده می گردد. مثلاً در کودکی، برای ایجاد عادات عبادی تکیه زیادی شده، و ایجاد سایر عادات مناسب نیز مورد تأکید قرار گرفته، که در جای خود مورد بحث قرار خواهیم داد.

نه تنها در نظامهای تربیتی شرق، روش عادت دادن به عنوان یک روش اساسی و پایه ای در تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار می گیرد، بلکه همه نظامهای تربیتی به نحوی از انحا از آن بهره می گیرند. در هر

● قسمت دوم

● تقی علی اشرف جودت

داشته اند. از میان آنها «غزالی» بیش از همه به این مسئله توجه کرده است. «او عادت را به عنوان یکی از وسایل و روشهای تربیتی می شناسد، که خیر و خوبی، رنگ عادت به خود گرفته و آدمی بدون نیاز به کوشش و مقاومت زیاد بدان قیام می کند. لکن غزالی در همان لحظه که عادت را یکی از عوامل تربیتی معرفی می کند، مانع از ازاری و مکانیکی شدن اراده آدمی می شود». آ.

«غزالی» درباره تربیت چنین

حال با توجه به مطالب و دلایل گفته شده، و نیز اهمیت عادت، نمی توان نقش آن را در تربیت، اقتصاد، سیاست، دین و در زندگی روزمره نادیده گرفت.

● دیدگاه اندیشمندان اسلامی در مورد نقش عادت در تربیت

مسئله استفاده از عادت در تربیت در نظریات دانشمندان اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است، آنان عادت دادن را اکثر به عنوان یک روش تربیتی مد نظر

می گوید: مربی بایستی اخلاق بد از وی (آدمی) ستاند و بدر اندازد و اخلاق نیکو به جای آن نهد و معنی تربیت این است. براساس این تعریف غزالی مانند غالب علمای گذشته تربیت را امری می داند، که هدف آن ایجاد خلق نیکو در انسان است. روشی که از نظر غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی و بوعلی سینا طریقهٔ وصول به این هدف است، عادت دادن است.

همچنین غزالی می گوید: پس هر کاری که نیکو است عادت کند، خلق نیکو اندر وی پدید آید، و سراین که شریعت به کار نیکو فرموده است، این است، مقصود از این گردیدن دل است از صورت زشت به صورت نیکو، و هر چه آدمی به تکلف عادت کند طبع وی شود.^۲

«خواجه نصیرالدین طوسی» هنگام بحث دربارهٔ ماهیت تربیت، آن را ایجاد ملکات از طریق عادت می داند.

«ابن سینا» وظیفهٔ عمدهٔ پدر را در تربیت کودک این گونه بیان می کند:

پیش از آن که بچه به خوهای بد و عادات زشت آشنا گشته و صورت آنها در صفحهٔ نفسش نقش بندد، باید او را با اخلاق نیکو و صفات پسندیده و عادات ستوده مواجه ساخت و وجودش را به آنها بیاراست. باید بچه را از کارهای بد دور و از عاداتی که عیب شمرده می شود، برکنار نمود!

● نتیجهٔ بحث

توجه به نظریات دانشمندان اسلامی نشان می دهد که روش عادت دادن و استفاده از عادت در تربیت، در دورهٔ کودکی، روش مناسبی است، می توان از این طریق ملکات و عادات نیک را در کودک ایجاد نمود. زیرا به دلیل عدم رشد کافی نیروی عقلانی کودک، نمی توان به روشهای استدلالی و منطقی متوسل شد.

الف - عادت و تربیت بدنی

شاید بتوان گفت که اهمیت تربیت بدنی، کمتر از تربیت روحی (تربیت‌های اخلاقی، عقلانی، اجتماعی، مذهبی و معنوی) نیست، زیرا انسان دارای دو بعد اساسی جسم و روح است که هر دو درهم

*** وقتی عقل تحت اثر تربیت و عادت توانست حواس را به خوبی به کار گیرد، در آن صورت خود بارور خواهد شد. یعنی می تواند به هدف تعیین شدهٔ خود که حقیقت یابی است برسد.**

*** تمرین و پرورش حواس، ابتدا باید با عادت دادن کودک به احساسهای آسان و محدود شروع شود، مانند بعضی رنگهای ساده، اشکال ساده، صداها و بوهایی که کودک توانایی احساس آنها را دارد.**

تأثیر متقابل دارند و پرورش یک بُعد به طور قطع، بُعد دیگر را تحت تأثیر قرار می دهد. در این بحث چگونگی استفاده از روش عادت دادن در تربیت بدنی مورد بررسی قرار می گیرد.

«مفهوم جسمانی پرورش که مورد اتفاق روانشناسان است، مبتنی بر این اصل است،

که کلیهٔ مراحل و یا جنبه‌های پرورشی باید با توجه به جهت کلی زندگی در نظر گرفته شود، یعنی این که ما باید پرورش کودک را به طور کلی در نظر بگیریم، نه این که مراحل مختلف پرورش او را به طور جداگانه مورد بحث قرار دهیم: فی المثل رشد و پرورش جسمانی کودک جدا از سایر جنبه‌های پرورش شخصیت وی صورت نمی گیرد. باید توجه داشت که همواره بین جنبه‌های مختلف تجربیات زندگی کودک، ارتباط متقابل و دائمی وجود دارد»^۳.

تربیتی جسمی نیز در ابعاد مختلف تحقق می پذیرد:

● پرورش حواس

منظور از پرورش حواس، رشد و تکامل نیروی حسی انسان، با عادت دادن حواس بر احساس مجرد نیست، چه این از امور فطری است که تغییرش جز از طریق عملیات جراحی ممکن نمی شود، بلکه غرض، عادت دادن حواس به این است که وظایف خود را بهتر انجام دهند، و نیز معنادار کردن کودک به بهره‌گیری کامل از حواس خویش است. زیرا چنان که اشاره شد حواس در واقع یک عده وسایل و ابزار هستند که برای شناختن و ارتباط یافتن با محیط خارج بکار می روند. چون هر اسباب و ادوانی با به کار بردن صحیح و معقول قوت می یابد، حواس نیز در صورت پرورش و به کارگیری منظم بهتر می توانند وظایف خود را انجام دهند. روانشناسی ثابت کرده، که پرورش حواس در یک قسمت موجب آمادگی آنها برای انجام دادن وظایف در تمام قسمت‌ها نمی شود، بلکه فقط در آن قسمت خاص پرورش می یابد.

چنانچه شخصی که گوشه‌اش در اثر تمرین به شنیدن و تمیز سریع صداها عادت کرده است، شنوائیش به آن اندازه قوی نمی شود که بتواند هر قطعهٔ موسیقی را که

می‌شود تحلیل کرده نغمات و آهنگهای موجود آن را بفهمد.

«تمرین و پرورش حواس، ابتدا باید با عادت دادن کودک به احساسهای آسان و محدود شروع شود، مانند بعضی رنگهای ساده، اشکال ساده، صداها و بوهایی که کودک توانایی احساس آنها را دارد»^۶.

● عادت و تربیت بدنی از دیدگاه متفکران اسلامی

در اسلام به پرورش ابعاد جسمی و روحی به عنوان دو جنبه اصلی تشکیل دهنده انسان بیش از همه مکاتب توجه گردیده و پرورش این دو جنبه به موازات هم مورد مطالعه قرار می‌گیرد. یعنی وقتی بحث از پرورش و آماده‌سازی جسم است، هدف تقویت جنبه روحی انسان است و بالعکس. این مسئله در آیات و روایات به ویژه نهج البلاغه به طور وضوح ملاحظه می‌شود. اکنون به آرای بعضی از علمای اسلامی در این زمینه اشاره می‌کنیم.

● بوعلی سینا

«تا سن چهارده سالگی نباید تمام اوقات طفل صرف تحصیل شود بلکه باید قسمتی نیز صرف ورزش گردد. گاهی هم باید او را آزاد گذاشت تا به کاری که بدان دل بستگی دارد بپردازد. به عقیده ابن سینا، ورزشهای کودک ممکن است عبارت باشد از راهپیمایی، برش، نوپ بازی، طناب بازی، دو و کشتی، اسب سواری، شمشیر بازی...»^۷.

برای آگاهی بیشتر از نظرات ابن سینا در زمینه بهداشت کودکان و تربیت بدنی و ورزش، علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب قانون او مراجعه کنند.

● خواجه نصیرالدین طوسی

«به عقیده خواجه، باید کودک را به سختی عادت داد، از جامعه نرم و اسباب

تمتع بازداشت، از استفاده از سردابه در تابستان و پوستین و آتش در زمستان منع کرد، خواب بسیار را اجازت نداد. در عین حال سفارش می‌کند که در اثنای ممارست فنی باید به ورزش نیز پرداخت تا حرارت غریزی تحریک شود و صحت انسان محفوظ ماند و کسالت و بیلاحت بر طرف گردد و هوش نشاط برانگیخته شود.

به کودکان شام بیشتر دهند تا چاشت، زیرا اگر چاشت زیاده خورد، کاهل شود و به خواب گراید و فهم او کند شود»^۸.

در عقاید خواجه اشکالاتی وجود دارد، از جمله این که می‌گوید کودک نباید زیاد

*** تا سن چهارده سالگی نباید تمام اوقات طفل صرف تحصیل شود بلکه باید قسمتی نیز صرف ورزش گردد. گاهی هم باید او را آزاد گذاشت تا به کاری که بدان دل بستگی دارد بپردازد.**

بخوابد، در حالی که به دلیل فعالیت زیاد کودک، احتیاج او به خواب نیز مسلماً بیشتر است و این امری کاملاً بهداشتی است. دوم این که غذای کودکان مثل خواب آنان باید با فعالیت‌های آنان هماهنگی داشته باشد. بنابراین شبها که کودک چندان فعالیت ندارد، نباید غذای زیادی هم مصرف نماید.

ب - عادت و تربیت عقلانی

هر چند در جریان تشکیل عادت گاهی تفکر چندان نقشی بازی نمی‌کند، ولی از روش عادت دادن می‌توان در تربیت عقل به نحو احسن استفاده نمود. در این بحث چگونگی به کارگیری این روش در تربیت عقلانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

● اهمیت تربیت عقلانی

در بین ابعاد وجودی انسان، عقل از موقعیت برجسته و ممتازی برخوردار است، و برخلاف سایر ابعاد نقش سازماندهی و هماهنگی همه نیروها و جنبه‌های مختلف انسان را به عهده دارد.

بدیهی است که توجه به این جنبه اساسی و مهم انسان و تربیت صحیح و اصولی آن، می‌تواند تربیت مفید و مطلوب تمام ابعاد وجودی انسان را تضمین نموده و یک زندگی منظم و متعادل را برای او به ارمغان آورد.

همچنین باید توجه داشت که وقتی بحث از تربیت عقلانی می‌کنیم، در واقع فعالیت‌های عقل را در راستای حقیقت‌یابی که همان تفکر است مد نظر داریم، و می‌خواهیم بگوییم که با تکیه بر روش عادت دادن، می‌توان این فعالیتها را توسعه داده و در قالب‌های منظمی عینیت داد، و البته این مسئله با منطقی فکر کردن و به کارگیری اسلوب‌های منطقی نباید اشتباه شود.

● تربیت عقلانی از دیدگاه اندیشمندان غربی

هرمان هارل هورن در باب تربیت عقلانی چنین می‌گوید: «تربیت درجه‌های عقل را بازمی‌کنند، مقصود از این کلام آن است که باید برای تربیت حواس اهتمام کامل به عمل آورد زیرا تنها راه پرورش و تهذیب عقل، راه حواس می‌باشد. مقصود از تربیت حواس، تمرین اعضای حسی، و مواظبت بهداشتی آنها که کار پزشکان است نیست، بلکه مقصود از این عبارت: تربیت عقل و عادت دادن آن است، که این اعضا را خوب استعمال کنند، تا قوه تمیز و ادراک به نحو کامل رشد یابد. جوان با فرهنگ کسی

است که با چشم خود چیزهایی را ببیند و با گوش خود چیزهایی را بشنود که سایرین از آنها عاجز و ناتوان هستند»^۱. به طوری که اشاره شد در اینجا توجه بیشتر به استفاده عقل از ابزار کار خود یعنی حواس می باشد، و این استفاده در قالب عادت دادن مطرح شده است. بدیهی است وقتی عقل تحت اثر تربیت و عادت توانست حواس را به خوبی به کار گیرد، در آن صورت خود بارور خواهد شد. یعنی می تواند به هدف تعیین شده خود که حقیقت یابی است برسد.

باید توجه داشت که بهترین راه تقویت و تربیت نیروی عقلانی بچه آن است که وی را به استقلال اندیشه و تفکر رهنمون سازند در این صورت است که می تواند عاقبت اندیش شده و به این کار عادت کند. پس مربی نباید بگوید چون من چنین گفتم وفلانی چنین گفته و یادرفلان کتاب چنین نوشته شده، باید قبول کنی، این نوع تربیت بسیار مضروب و کلی مخالف قواعد فن تربیت است، زیرا آزادی تفکر و استقلال دماغی بچه را از اومی گیرد و اثر ثابت و راسخی هم نمی گذارد، تا آنجا که ممکن است بچه خوبی فلان کارویا فلان صفت را شخصاً حس و ادراک کند و بدون یک سابق خارجی آن را قبول نماید و انجام دهد.

این خصوصیت، او را و می دارد که در هر کار نتایج آن را قبلاً در نظر بگیرد و بداند که هر عملی، عکس العملی در بر دارد، و لهذا، قدری تفکر و تعقل می نماید، و حس مسئولیت در دلش ایجاد می شود و نیک و بد آن کار را از خود می داند.

اگر مستلزم ملامت و جزایی شد، خود را مسئول می شمارد و دیگر بار از انجام آن می پرهیزد و کم کم می فهمد که هر چه هست از خود اوست یعنی مقدرات او در دست خودش است و زحمت و لذت و

شادی و کدورت، همه نتیجه اعمال خودش می باشد.^۱

در کتاب آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش در زمینه استفاده از عادت در پرورش عقلانی آمده است:

«در آغاز کار، معلم ممکن است شاگردی را به دلیل اندیشیدن به راه منطقی، یعنی به خاطر رسیدن به نتایجی از رشد پاداش دهد، و شاگرد نیز ممکن است تا مدتی به شیوه منطقی فکر کند تا آن که پاداش خود را دریافت، معهداً در صورتی که وی را به درستی تعلیم دهند، به تدریج شاگرد این فکر را رضایت بخش خواهد

*** بهترین راه تقویت و تربیت نیروی عقلانی بچه آن است که وی را به استقلال اندیشه و تفکر رهنمون سازند ***

دانست نه فقط به این سبب که پاداش دارد، بلکه به این سبب که از جهت فکری بارور است. وی در خواهد یافت که یک نتیجه از رشد او مولد نتیجه دیگری است، در حالی که ناهماهنگی را راه به جایی نیست، بدین گونه عادت اندیشیدن به راه منطقی به وسایل روانشناسی یعنی به مدد فنون خاص تعلیم مبتنی بر فهم رفتار انسانی، کشت و پرورش می یابد»^{۱۱}.

● پرورش زبان پایه تربیت عقلانی

یکی از راههای پرورش عقلانی، پرورش زبان است، زیرا زبان ابزار تفکر و اندیشه است.

«زبان وسیله تفکر است و تعبیر و تفکر، لازم و ملزومند. اگر آموزگار دانش آموزان را

به تعبیر درست عادت دهد در واقع آنان را به تفکر درست عادت داده است و مسلم است که پرورش نیروی تفکر مقدم بر تدریس است. از این رو توجه به پرورش زبان مهمترین وظایف آموزگار شمرده می شود، زیرا زبان نه تنها وسیله تفکر و تعبیر افکار است، بلکه وسیله تدریس نیز می باشد.

هر معلم، پیش از آن که معلم ماده درس مخصوصی باشد، معلم زبان است و یکی از مریبان در این خصوص می گوید: آموزش نوشتن و کاری نیست که فقط به عهده معلم انشا و گذار گردد، بلکه تمام معلمان باید در آن شرکت کنند.

همان طور که پیشرفت تعلیماتی آموزشگاه نتیجه همکاری هیئت معلمان است، مهارت کودک هم در تعبیر درست افکار و عواطف، وقتی ممکن خواهد بود، که تمام معلمان تشریک مساعی کنند هر چند که معلم درس انشا نباشند. بدون شک تنظیم افکاریکی از شرایط اساسی نوشتن است»^{۱۲}.

● بی نوشتها

- ۱- روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی، ص ۹۷
- ۲- کیمای سعادت، ج ۲ ص ۱۱ و ۱۲
- ۳- تدبیر منزل، ص ۴۵
- ۴- روانشناسی کودک، ص ۳۰
- ۵- روانشناسی رشد، ج ۴، ص ۱۵۴ - ۱۵۵
- ۶- تاریخ فرهنگ ایران، ص ۱۳۸ - ۱۳۹
- ۷- پیشین، ص ۱۶۷ - ۱۶۸
- ۸- فلسفه تربیت، هرمان هارل هورن، ترجمه احمد آرام، ص ۹۲
- ۹- راه نو در تعلیم و تربیت، ص ۱۸۱ - ۱۸۲
- ۱۰- آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ص ۹۶ - ۹۷
- ۱۱- روانشناسی رشد، ج ۴، ص ۲۰۳ - ۲۰۴

